گزارش

در تعیین پیش شرط هماهنگ باشید

مذاکره، بدون خوردن قهوه!

در حالی عبداللهیان از رفع بلوکه شدن ۱۰ میلیارد دلار پول برای آغاز مذاکره سخن می گوید که پیش تر اسلامی از رفع همه تحریم‌ها گفته بود

آرمان ملی- امید کاجیان: حسین امیرعبداللهیان به‌عنوان وزیر خارجه از دل در گفت‌وگویی تلویزیونی به بیان اظهاراتی در مورد سیاست خارجه کشور و البته آینده برجام پرداخت. این گفت‌وگو در حالی بود که در این وزارتخانه اخیرا یک تغییر قابل تامل رخ داد؛ کنار گذاشتن سیدعباس عراقچی و جایگزینی علی باقری کنی به‌عنوان معاون سیاسی وزارت خارجه. علی باقری که مذاکره‌کننده ارشد ایران در زمان دولت‌های نهم و دهم و یار همیشگی سعید جلیلی بوده است وقتی معاون سیاسی شد نوعی اتمام‌حجت دول درباره مذاکرات احیای برجام تلقی می‌شد، اما کنار ماندن عراقچی از عرصه دیری نپایید و رئیس شورای راهبردی روابط خارجی، سیدعباس عراقچی را به سمت دبیری شورا منصوب کرد. انتصابی که می‌توانست بار دیگر در راستای ایجاد توازن میان مذاکره و عدم مذاکره تلقی شود و به عبارتی موضع قبلی وزارت خارجه را بعد از انتصاب باقری ترمتر نشان دهد. این مواضع سینوسی را می‌توان در گفت‌وگوی امیرعبداللهیان به کدام سمت‌وسو بیشتر نقش کرده است. جایی که با صراحت از این می‌گوید که ما به پنج سال و نیم قبل یا هشت سال قبل هرگز برنمی‌گردیم. مطلبی که به صراحت یک معنا دارد تفاوت او با ظریف و سیاست دولت روحانی و البته برخلاف آن در آغوش گرفتن‌های ظریف در روز تحویل وزارتخانه زاویه‌ای با وزیر خارجه سابق به خوبی نشان داده می‌شود. وزیر خارجه به کنایه از عبارت قهوه خوردن‌های بی‌حاصل هم با مقامات خارجی در مذاکرات یاد می‌کند و اینکه ما دنبال قهوه خوردن نیستیم که می‌تواند تداعی‌کننده نگاه خاص به مذاکره‌کننده‌های قبلی باشد. گویی که مذاکرات آنها ثمره‌ای جز قهوه خوردن نداشته و یا یادآور آن جمله قالیباف باشد که خطاب به مذاکره‌کنندگان دهه شصت گفت: «وقتی ما موشک می‌خوردیم شما با میزان قهوه می‌خوردید.» نکته مهمتر ماجرا جایی است که نشان می‌دهد در آینده احتمالا زور طبقه فکری باقری کنی و احتمالا جلیلی‌ها به عراقچی که به تازگی دبیر شورای راهبردی روابط خارجی شده می‌چربد. او به نوعی علی باقری را مسئول مذاکرات آتی می‌داند: «مذاکرات در چارچوب معاونت سیاسی وزارت خارجه دنبال خواهد شد و طرف‌های مذاکراتی و توافقی که انجام می‌شود در سطح وزرای خارجه کشورهای مذاکره‌کننده تایید و جمع‌بندی نهایی خواهد شد. اما وزارت خارجه در چارچوب نهادهای بالادستی نظام وظیفه دارد تا مذاکراتی را انجام خواهد داد.» عبداللهیان البته به این نکته اشاره می‌کند که سیاست ایران نه شرقی و نه غربی است و باز هم برای ادامه مذاکرات مبهم سخن می‌گوید و از واژه بن‌بودی در این باره استفاده کرده و بیان می‌دارد هنوز زمان مشخصی برای مذاکرات تعیین نکرده‌ایم چون هنوز به جمع‌بندی نهایی نرسیده‌ایم. حالا ۱ هفته دیگر باشد یا ۱ ماه دیگر یا بیشتر هنوز مشخص نیست وزیر خارجه می‌گوید: اینکه یک جزء را بگیریم و یک جزء را نگیریم در تضاد با نیت آنهاست که می‌گویند جدی هستیم.

عدم هماهنگی در بیان پیش‌شرط‌ها

نکته دیگر در کلام عبداللهیان اما بازهم تعیین پیش‌شرط برای مذاکره احیای برجام است که تا پیش از این تا مرحله پایانی پیش رفته بود ولی حالا برای آغاز دوباره‌اش، پیش‌شرط مطرح شده است. وی می‌گوید: آمریکایی‌ها مدام به دنبال ارتباط و پیغام‌رسانی بودند. اگر آمریکایی‌ها نیت واقعی دارند ۱۰ میلیارد دلار پول بلوکه شده ما را آزاد کنند تا به عنوان پالس مثبت تلقی کنیم و زودتر به میز مذاکره برگردیم. این در حالی است که ایران پیش از این نیز از مسائلی به عنوان پیش‌شرط برای احیای مذاکره سخن گفته است البته پیش‌شرطی که به مراتب خواست بالاتری از این ۱۰ میلیارد بوده است و این خود نشان می‌دهد که یا از قرار، مواضع ایران در همین چند روز تعدیل شده است و یا اینکه مقامات دولت دولت و مقامات در اظهارنظر آن هم در مورد مسائلی به این مهمی با هم هماهنگ نیستند و حرف‌های متفاوت می‌زنند. چراکه محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی گفته بود: «لایت متحده باید تمام تحریم‌های خود علیه ایران را لغو کند تا مذاکرات متوقف شده برای احیای توافق هسته‌ای سال ۲۰۱۵ از سر گرفته شود.» یعنی قبل از گفت‌وگو برای به تفاهم رسیدن بر سر لغو تحریم‌ها اظهار داشت که باید همه تحریم‌ها رفع شود. به نظر می‌رسد این اظهارات بعضا متفاوت در کنار نامعلوم بودن سرنوشت آغاز مذاکره احیای برجام، دلیلی برهمان عدم برنامه مشخص تا به امروز از سوی دولت سیزدهم است تا جایی که حتی کلام و گفتمان‌های متفاوتی نیز از سوی مسئولان آن به گوش می‌رسد. هنوز مشخص نیست عنوان و مطرح کردن پیش‌شرط‌های متفاوت به‌عنوان جزیی از نقشه حرکت در مسیر مذاکره مطرح می‌شود و یا اینکه صرفا بیان گفته‌هایی برای آزمون و خطا کردن اینکه تا چه میزان می‌توان از طرف مقابل امتیازگیری کرد؟ اما قطعا که مطرح شدن نظرات متفاوت مسئولان در شرایط فعلی اگر عدم هماهنگی در گفته‌ها معنا دهد به زبان ایران لافلی از بعد دیپلماتیک تعبیر می‌شود و بیانگر نبودن عزم راسخ برای گفت‌وگوها در زمینه احیای برجام و یا خالی بودن دست مقامات در تصمیم‌گیری در این زمینه است. مسئله بودن یا نبودن پیش‌شرط برای آغاز مذاکرات احیای برجام در حالی مطرح می‌شود که از سویی دیگر مشخص نیست حتی در صورت آغاز مذاکرات این مذاکرات از ادامه آنچه در دولت قبل بود دنبال می‌شود و باز نقطه صفر باید شروع کرد. برخی در کشور می‌گویند اگر مذاکرات احیای برجامی هم در کار باشد، باید از نقطه صفر کلید زد. با این حال چندی پیش فرانسه که زمانی میانجی ایران و آمریکا برای از سرگیری مذاکرات احیای برجام بود نیز مدعی شده بود: «ایران، با اعمالش، همچنان به وخامت اوضاع هسته‌ای ادامه می‌دهد. اگر ایران همین راه را ادامه دهد، نه تنها زمان رسیدن به توافق برای لغو تحریم‌ها به تأخیر می‌افتد بلکه این احتمال وجود دارد که مذاکرات وین پایان یابد و فرصت احیای برجام به خطر بیفتد.» این نشان می‌دهد زمان در شرایط فعلی یکی از موارد مهم ندیده گرفته شده است. آنچه از اظهارات عبداللهیان در مجموع می‌توان دریافت، عدم توافق در نوع موضع‌گیری لافلی است تا به امروز درباره نوع برخورد با احیای برجام، مشخص نبودن زمان آن و حتی نبودن سیاست واحد در داخل برای نحوه برخورد با از سرگیری مذاکرات با میزان امتیازخواهی‌های قبل و بعد از آن و اساسا ابهام داشتن یا نداشتن به احیای برجام است. در کنار اینکه در نهایت عبداللهیان با موضع‌گیری‌اش راهش را از ظریف و آن انعطاف پیشین نیز کاملا جدا کرده است.

دولت در حالی کار خود را آغاز کرده که هنوز به برخی از وعده‌های خود و به‌خصوص جلوگیری از گرانی کالاها عمل نکرده و همچنان قیمت کالاهای اساسی روند صعودی دارد. ارزیابی شما از روند آغاز دولت سیزدهم چیست؟

بین وضعیت اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جامعه و تفکراتی که اصولگرایان و افای رئیسی دنبال می‌کنند سازگاری دقیقی وجود ندارد. راه نجات برای اینکه وضعیت اقتصادی مردم بهتر و تحریم‌ها برداشته شود و مدیران کشور بتوانند ایده‌های خود را اجرایی کنند، این است که متخصصان و کارشناسانی که امروز به دلایل مختلف منزوی هستند، بتوانند در صحنه حضور پیدا کنند و با کار کارشناسی و تخصصی وضعیت موجود را تغییر بدهند. امروز بسیاری از نخبگان به دلایل مختلف و مبهم از حضور در عرصه تصمیم‌گیری جامعه محروم شده‌اند و برخی اجازه نمی‌دهند این نیروهای متخصص در مدیریت جامعه نقش‌آفرینی کنند. هنگامی نخبگان و متخصصان می‌توانند در صحنه حضور داشته باشند که شرایط یک انتخابات آزاد در کشور وجود داشته باشد تا گروه‌های مختلف فکری در فضای انتخابات نماینده داشته باشند. بسیاری از افرادی که امروز خانه‌نشین شده‌اند مومن به جمهوری اسلامی هستند و در گذشته خدمات ارزشمندی برای نظام و کشور انجام داده‌اند. قدرت نباید در تضاد با نخبگان و شایسته‌سالاری باشد به شکلی که این افراد را محدود کند و اجازه ندهد در عرصه مدیریت جامعه فعالیت داشته باشند. متأسفانه در شرایط کنونی این اتفاق رخ داده است. نمونه بارز این رویکرد مساله حصر است. از سوی بسیاری از نخبگان کشور نیز به دلیل محدودیت‌های داخلی به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند و هم اکنون در خارج زندگی می‌کنند. بدون تردید اگر این نخبگان در داخل کشور حضور داشتند می‌توانستند به حل مشکلات کشور کمک کنند. شاید این افراد با برخی از اصحاب قدرت اختلاف‌سلیقه داشته باشند اما نسبت به منافع ملی و مردم حساسیت دارند و از همه ظرفیت‌های خود برای تحقق منافع ملی استفاده خواهند کرد. نکته مهم دیگر موضوع آزادی است. تازمانی که مردم و نخبگان جامعه از موهبت آزادی در کشور به معنای دقیق و کامل کلمه برخوردار نباشند، نباید انتظار یک جامعه پویا و رو به جلو داشت.

> دور ان شعار دادن گذشته است. در گذشته برخی هموار ه شعار می‌دادند و اجازه نمی‌دادند یک تعامل مثبت شکل بگیرد. این در حالی است که نتیجه شعارهایی مرگ بر... این بوده که برخی از کشورهای عربی به‌جای اینکه از ایران حمایت کنند، به آمریکا نزدیک شده‌اند و در آن انتخابات مجلس یازدهم چنین وضعیتی وجود نداشت و طیف‌های مختلف فکری نتوانستند در فضای انتخابات کاندیدا داشته باشند. شرایط این انتخابات به شکلی بود که در تهران به‌عنوان مهم‌ترین شهر کشور تنها ۲۰ درصد مردم در انتخابات مشارکت داشتند. انتخابات ریاست جمهوری نیز دارای چنین وضعیتی بود و ما مشاهده کردیم میزان مشارکت در انتخابات ریاست جمهوری نسبت به همه انتخابات گذشته کمتر بود. در انتخابات ۱۴۰۰ در حدود چهار میلیون رأی سفید وجود داشته که به‌منزله نداشتن کاندیدا در انتخابات است. کسانی که در این انتخابات رأی سفید به صندوق انداختند به دنبال این بودند که زندگی خود را تأمین کنند در عین‌حال که کاندیدا نیز نداشتند. کسانی که به آقای رئیسی رأی دادند نیز در حدود هفده میلیون نفر بودند این در حالی است رأی آقای روحانی در انتخابات ۱۳۹۶ بیش از ۲۴ میلیون بود. در انتخابات ریاست جمهوری اصولگرایی افرادی مانند علی لاریجانی که همواره در خدمت نظام و اصولگرایان بوده و رد شده است. از سوی دیگر صلاحیت افرادی مانند آقای جهانگیری که همواره در خدمت نظام بوده و در سمت‌های مختلف نقش‌آفرینی کرده رد شد و اجازه داده نشد ایشان در انتخابات حضور داشته باشند. حداقل شرایط یک انتخابات رقابتی این است که طیف‌های مختلف فکری در انتخابات کاندیدا داشته باشند و از سوی دیگر احزاب موجود در کشور اجازه فعالیت داشته باشند و بتوانند در رقابت‌های انتخاباتی کاندیدا معرفی کنند. احزابی که از وزارت کشور مجوز دارند و در چارچوب قانون اساسی فعالیت می‌کنند به دنبال مصالح و منافع ملی هستند و تلاش می‌کنند مطالبات مردم را نمایندگی کنند. نکته مهم دیگری که باید در دستور کار قرار بگیرد ارتباط منبت و سازنده ایران با کشورهای جهان است.

آیا دولت رئیسی در این زمینه اقدامات لازم را انجام داده و رویکرد این دولت در مسیری قرار دارد که تعامل به کشورهای جهان شکل بگیرد؟

در قانون اساسی ذکر شده که در عرصه سیاست خارجی باید رویکرد نه شرقی و نه غربی در پیش گرفته شود. به همین دلیل اگر دولت آقای رئیسی قصد دارد با شرق ارتباط نزدیکی داشته باشد، بهتر است با غرب نیز تعامل داشته باشد و یک سیاست خارجی متوازن را پیش ببرد. دوران شعار دادن علیه کشورهای مختلف گذشته است. بر گذشته برخی در کشور همواره علیه استکبار جهانی شعار می‌دادند و اجازه نمی‌دادند یک تعامل مثبت در این زمینه شکل بگیرد. این در حالی است که نتیجه شعارهایی مرگ بر... این بوده که برخی از کشورهای عربی به‌جای اینکه از ایران حمایت کنند، به آمریکا نزدیک شده‌اند و در شرایط کنونی نیز سفارت اسرائیل در برخی کشورهای عربی بازشده است. نزدیکی کشورهای منطقه به اسرائیل و بازگشایی سفارت این کشور در کشورهای عربی یک هشدار جدی به ایران است. به نظر می‌رسد اسرائیل از شعارهایی که ایران مبنی بر محو این کشور می‌دهد به سود خود استفاده می‌کند و روزبه‌روز نفوذ بیشتری در بین کشورهای منطقه پیدا می‌کند. تردیدی در این موضوع وجود ندارد که ماجرای اسرائیل و فلسطین حق ملت فلسطین ضایع‌شده و اسرائیل به توسعه‌طلبی سرزمین مردم فلسطین را اشغال کرده است. با این‌وجود جمهوری اسلامی باید موضوع اسرائیل را به ملت فلسطین واگذار کند و اجازه بدهد کشورهای اسلامی در این زمینه تصمیم بگیرند. امروز مردم از یک اقتصاد درشکسته که در کشور به‌وجود آمده رنج می‌برند و با چالش‌های مهمی مواجه هستند. از سوی دیگر وضعیت فرهنگی و اخلاقی جامعه قابل قبول نیست. این در حالی است که فساد نیز به‌صورت سیستماتیک در کشور عمل می‌کند و در سال‌های اخیر پیامدهای منفی زیادی برای کشور به همراه داشته است. رابطه ایران با کشورهای خارجی باید به همان شکلی انجام شود که در قانون اساسی ذکر شده است. اگر آقای رئیسی به دنبال این است که با کشورهای شرق ازجمله چین و روسیه ارتباط داشته باشد باید در مسیری قرار بگیرد که با کشورهای غربی نیز ارتباط داشته باشد و توازن در سیاست خارجی برقرار شود.

این توازن چگونه برقرار می‌شود؟ آیا در شرایطی که رابطه ایران و غرب در سال‌های اخیر همواره با موانع جدی مواجه بوده می‌توان امیدوار بود که این موانع برداشته شود و شاهد یک تعامل متوازن بین رابطه ایران با شرق و غرب باشیم؟

نزاعی که بر سر مقابله با آمریکا و کشورهای غربی صورت می‌گیرد پیامدهای مناسبی برای ما به همراه نداشته است و به همین دلیل این نزاع باید پایان بپذیرد. اسلام دین مسالمت و مصالحه است. پیامبر اسلام(ص) پس از فتح مکه به ابوسفیان امتیاز داد و همه کفار قریش را مورد مرحمت و رحمت خود قرار داد. مقتضای فرهنگ اسلام و منافع ملی ایران ایجاب می‌کند که دولت یک رابطه متعادل و متوازنی با شرق و غرب ایجاد کند و این جنگ و نزاع را با غرب خاتمه بدهد. اولین گام در راستای تعامل مثبت و سازنده با جهان این است که برجام بدون معطلی و از همان‌جایی که متوقف‌شده دوباره آغاز شود تا تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و جنگ اقتصادی که وجود دارد از بین برود. واقعیت این است که تحریم‌های بین‌المللی که علیه ملت ایران اعمال‌شده در وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم تأثیر منفی گذاشته است. این وضعیت باید تنبیه کند. تغییر این وضعیت نیز تنها با مذاکره و تعامل سازنده شکل خواهد گرفت. در شرایط کنونی دولت آقای رئیسی تلاش می‌کند مذاکرات را به تعویق بیندازد. شاید در درون دولت این نوع نگاه وجود دارد که اگر مذاکرات به تعویق بیفتد و دولت عجله‌ای برای مذاکره نداشته باشد این احتمال وجود خواهد داشت که در مذاکرات آینده ایران بتواند امتیازات بیشتری بگیرد. با این وجود سخت است چنین رویکردی نتیجه دلخواه را بدهد. به‌هر حال طرف مقابل نیز دارای دیدگاه‌ها و استراتژی خاص خود است و در مقابل سیاست‌هایی که ایران در پیش می‌گیرد، سیاست‌های متقابل را در دستور کار خود قرار می‌دهد. به نظرم باید با زبان دیپلماسی و رعایت اصول قواعد دیپلماتیک با جهان سخن گفت. این اتفاق توسط آقای ظریف و تیمی که ایشان سرپرستی آن را بر عهده داشتند که زیر نظر رهبری فعالیت می‌کرد به‌خوبی مشاهده می‌شد و ما شاهد دوران خوبی در زمینه دیپلماسی کشور در دولت آقای روحانی بودیم. به همین دلیل نیز توافق مهمی چون برجام در این دوران شکل گرفت. در شرایط کنونی نیز با تغییر دولت در آمریکا و حضور بایدن در کاخ سفید شرایط برای احیای برجام برخلاف دوران ترامپ وجود دارد.

استراتژی دولت در زمینه سیاست خارجی و اقتصادی هنوز به‌صورت دقیق مشخص نیست.

حسین انصاری‌راد در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

از رشد مدیران چاپلوس تا توازن با غرب و شرق

بین مدیران دولت و بحران‌های جامعه تناسبی نیست

جنگ و نزاع با غرب باید پایان بپذیرد

برجام از همان نقطه توقف، دوباره آغاز شود

بسیاری از نخبگان به دلایل واهی از حضور در عرصه تصمیم‌گیری محرومند

ظریف زبان دیپلماسی را می‌فهمید

آرمان ملی- احسان انصاری: مسیری که دولت سیزدهم در پیش گرفته درنهایت به کجا منتهی خواهد شد؟ شواهد و قرائن موجود در کشور نشان دهنده چه وضعیتی است؟ آیا استراتژی‌ها و رویکردهایی که انتخاب‌شده متناسب با شرایط موجود جامعه است؟ چرا آقای رئیسی تلاش موثر برای کاهش مشکلات معیشتی مردم در کوتاه‌مدت نکرد و در شرایط کنونی قیمت کالاهای اساسی همچنان در مسیر صعودی قرار گرفته است؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این پرسش‌ها با حجت‌الاسلام حسین انصاری‌راد نماینده پیشین مجلس شورای اسلامی گفت‌وگو کرده است. انصاری راد معتقد است: «شرایط کشور به شکلی نیست که افراد جوان و بی‌تجربه بتوانند بحران‌ها را مدیریت کنند. شرایط کشور به شکلی است که حتی افراد باتجربه و تخصص‌دار نیز که از دانش کافی برخوردار هستند نیز به راحتی نمی‌توانند مشکلات را حل کنند. سیاست‌هایی که تاکنون اتخاذشده همان سیاست‌هایی است که در چهل سال گذشته امتحان خود را پس داده و مسبب وضعیت موجود جامعه بوده است. نتیجه ادامه این سیاست‌ها این است که امروز مردم ایران با بحران‌ها و بر بحران‌های متعددی مواجه هستند.» در ادامه ما حصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

دولت روحانی با انتخاب مدیرانی که در این زمینه فعالیت خواهند کرد، می‌تواند مشکلی دولت را در این زمینه‌ها مورد ارزیابی قرار داد. آیا مدیرانی که در این زمینه انتخاب شده‌اند، متناسب با بحران‌ها و مشکلات کشور است؟

چنین تناسبی در دولت وجود ندارد. در شرایط کنونی جامعه ایران با بحران‌ها و چالش‌های متعددی مواجه است. به همین دلیل نیاز بود دولت از افرادی در کابینه خود استفاده کند که از تجربه و تخصص کافی برای مدیریت بحران‌ها برخوردار باشند. پس از آغاز به کار دولت اغلب کارشناسان و تحلیلگران به این نکته اشاره کردند که تیمی که آقای رئیسی برای مدیریت کشور انتخاب‌شده ضعیف است و می‌توانست افراد بهتری را انتخاب کند. اغلب افرادی که امروز در دولت حضور دارند دارای کارنامه موفقی در گذشته نیستند. از سوی دیگر برخی از افراد دارای تجربه کافی نیستند. شرایط کشور تبه شکلی نیست که افراد جوان و بی‌تجربه بتوانند بحران‌ها را مدیریت کنند. شرایط کشور به شکلی است که حتی افراد باتجربه و تخصص که از دانش کافی برخوردار هستند نیز به‌راحتی نمی‌توانند مشکلات را حل کنند. سیاست‌هایی که تاکنون اتخاذشده همان سیاست‌هایی است که در چهل سال گذشته امتحان خود را پس داده و مسبب وضعیت موجود جامعه بوده است.

> نزاعی که بر سر مقابله با آمریکا و کشورهای غربی صورت می‌گیرد پیامدهای مناسبی برای ما به همراه نداشته است و به همین دلیل این نزاع باید پایان بپذیرد. اسلام دین مسالمت و مصالحه است. مقتضای فرهنگ اسلام و منافع ملی ایران ایجاب می‌کند که دولت یک رابطه متعادل و متوازنی با شرق و غرب ایجاد کند و این جنگ و نزاع را با غرب خاتمه بدهد

با توجه به همراهی قوای مقننه و قضائیه با دولت آیا شرایط تصمیم‌گیری برای تصمیمات سخت و مهم بیشتر فراهم شده و یا اینکه یکدستی قدرت را برای کشور مفید نمی‌دانید؟

هر جامعه‌ای نیاز به منتقد و انتقاد دارد و گروه‌هایی باید وجود داشته باشند که از ادامه شرایط را تحلیل و نقد کنند و تجربه را به مسئولان منعکس کنند. البته ممکن است یکدستی قدرت نتایجی به همراه داشته باشند که بیشتر کوته‌مدت و مقطعی است. اما با این وجود تداوم تجربه یکدست شدن قدرت در جوامع مختلف همواره این بود که چاپلوسان، متملقان و افراد ضعیف همواره بر گرد اصحاب قدرت می‌گردند و تلاش می‌کنند از این وضعیت به سود خود استفاده کنند. یکدستی قدرت شرایطی را فراهم می‌کند که اصحاب قدرت نمی‌توانند به اطلاعات آزاد و واقعی دست پیدا کنند و به همین دلیل تصمیماتی که در این شرایط گرفته می‌شود، ممکن است به سود منافع ملی نباشد.

نظر شما درباره تشکیل اتاق فکر بزرگان با حضور ناطق و لاریجانی و خاتمی و... چیست؟

این افراد بزرگانی هستند که جامعه با یخشی از جامعه از اینها حرف شنوی دارند. با توجه به شرایطی که در کشور است هر کدام یک کنشی را خواهد داشت. اگر میدان باز باشد بیشتر و گرنه کمتر یا اگر ببینند اگر تحمل نمی‌شود سکوت می‌کنند. بستگی به شرایط پیش آمده برای کشور در اینده و اتفاقاتی که رخ می‌دهد چگونه شکل بگیرد. اینها ذخیره‌هایی برای کشور هستند که اگر از تجربیات آنها استفاده بشود مفید است ولی بعضی‌ها ممکن است این تصور را نداشته باشند. اینها افرادی هستند که در جایگاه‌های اصلی تصمیم گیری کشور بودند و تجربیات آنها می‌تواند به کار اید شرطی که نظام احساس کند این امر مفید است و گرنه محدودیت‌هایی ایجاد می‌شود که خیلی از وجود اینها استفاده نشود.

طی روزهای اخیر خبر رسید که زنان می‌توانند در ورزشگاه حاضر شوند، تحلیل شما چیست؟

از قبل هم باید می‌توانستند بروند ولی عده‌ای نمی‌گذاشتند. کسانی که اصلا نمی‌خواستند اجازه بدهند اکنون دست برداشته‌اند. به هر حال کار خوبی است.

مصطفی دریایی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

اصلاحات یک واقعیت در کشور است

- برخی احزاب هویت خود را در پیوند با قدرت تعریف می‌کنند
- بزرگانی مانند خاتمی، ناطق و لاریجانی ذخیره‌های نظامند

آرمان ملی- مهدی فقیه: تب و تاب و التهابات سیاسی ماه‌های آغازین سال که تحت تاثیر ورود کشور به فضای رقابت‌های انتخاباتی دوره سیزدهم ریاست جمهوری بود، این روزها فروکش کرده و این روزها توجه‌ها بیشتر به انتصابات و تصمیم‌گیری‌های دولت سیزدهم معطوف است. این در حالی است که اصلاح‌طلبان هنوز به فکر آسیب‌شناسی درونی خود نپرداخته‌اند و معلوم نیست چه برنامه‌ای برای آینده عملکردی خود در سپهر سیاست ایران منتصور هستند. با این حال برای تحلیل شرایط این روزهای اردوگاه اصلاح‌طلبان و آینده عملکردی این جریان سیاسی «آرمان ملی» با حجت‌الاسلام مصطفی دریایی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و عضو حزب اتحاد ملت ایران به گفت و گو پرداخته است که می‌خوانید.

اصلاح‌طلبان هر گاه در قدرت نیستند دچار کرختی و رکود می‌شوند، تصور می‌کنید برای جلوگیری از این وضعیت چه باید کرد؟

به رکود اعتقاد چندانی ندارم. وقتی یک رویداد سیاسی مثل انتخابات ریاست جمهوری یا مجلس را پشت سر می‌گذارید به صورت معمول گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی- چه برندگان، چه بازندگان- طبیعتا یک رخوت درونی پیدا می‌کنند و گاهی وقت‌ها بروز و ظهور محدودی داشته باشند. چه بسا این تحرک محدود را در بین گروه‌های اصول گرا مشاهده نمی‌کنید. احزاب سیاسی که موفق نبودند لازم است که بازنگری کنند که دلایلش چه بوده و ارزیابی از عملکرد خودشان داشته باشند. عمدتا مشاهده می‌کنم گروه‌هایی که در اصلاحات جدی بودند، فعال هستند و جلسات این گروه‌ها برای بررسی مسائل کشور مرتب تشکیل می‌شود. آنچنان رکود را به شکل مشخص آن خیلی اعتقادی ندارم؛ مگر بعضی از گروه‌هایی که فقط در ایام انتخابات فعال هستند و بعد هم رها می‌کنند تا انتخابات بعدی ممکن است که خیلی فعال نباشند (قبلا هم به آن شکل فعال نبودند) ولی گروه‌های دیگر اصلاح‌طلب فعال هستند و مشغول ارزیابی نقاط ضعف، مشکلات و روند مسائل سیاسی را، کار سیاسی هم همین است گاهی وقت‌ها آدم موفق است و گاهی وقت‌ها هم نیست.

چرا اصلاح‌طلبان به راحتی دچار انشقاق و جدایی می‌شوند؟

شکل‌گیری سیاسی کارگزاران معمولا با سایر گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب متفاوت است. طبیعتا خودشان را فقط در قدرت می‌توانند معنا بکنند و معمولا بعد از قدرت افت آنها بیشتر دیده می‌شود ولی این شامل همه گروه‌های اصلاح‌طلب نمی‌شود و هویت خودشان را کلا در قدرت نمی‌بینند. گروه‌ها و احزابی که چنین وضعیتی نداشتند طبیعتا به خاطر نگرانی‌ها حالا در رصد کردن روند امور کشور، حوادث و اتفاقاتی که در کشور و منطقه می‌افتد جدی‌تر هستند. کارگزاران نسبت به سایر گروه‌ها ممکن است محدودتر ورود پیدا کند بنا به دلایلی که برای خودشان تعریف کرده‌اند. سایر گروه‌ها شامل این نوع نگرش به آن معنی نمی‌شود و انهایی که فقط خودشان را با بودن در قدرت معنی می‌کنند، طبیعتا ممکن است دچار یک رکود آن هم احتمالا به دلیل تحلیل جدی شرایط کشور، بشوند.

> بسیاری از اصولگراها که عقلانیت را در مسیر سیاسی خود شان به کار می‌گیرند به مرور می‌فهمند که برای اصلاح یکسری از نواقص ایستادگی بیشتری بکنند و به این طیف نزدیک‌تر می‌شوند

تصور می‌کنید تا چه اندازه نیاز به بازخوانی روند اصلاحات و تغییر در ارکان تصمیم گیری این جریان وجود دارد؟

این مسأله عمومیت ندارد، اگر برخی جریانات این حرف را می‌زنند نظرشان است اما در کلیت جریان اصلاحات این گونه نیست. آقای خاتمی قرارش بر این نیست که حرف آخر را بزند یا نزند و همیشه تاکید کرده که این گروه‌ها و احزاب هستند که باید میدان داری کنند و آقای خاتمی هم کمک می‌کند. با این وجود خیلی از احزاب اصلاح‌طلب بر فصل‌الخطاب بودن ایشان اعتقاد دارند و معتقد هستند این کمک می‌کند در گرنه‌های سنگینی که وجود دارد یک محملی وجود داشته باشد که بشود جریان سیاسی جهت خودش را پیدا کند و اختلافات محدود بشود. به هر صورت آقای خاتمی یک جایگاه ویژه‌ای دارد و به خاطر نفوذ کلامی که چه در بین اصلاحات و چه در بین گروه‌ها و مردم گیکاه می‌تواند کمک کند تا اختلافات کمتر بشود و همگرایی افزایش پیدا کند. اگر بعضی از گروه‌ها هم چنین حرفی بزنند، معمولا گروه‌های قابل اعتنایی نیستند. خود آقای خاتمی اصرار بر چنین امری ندارند و اعتقاد دارند خود احزاب باید تلاش کنند و بدنه خودشان را پیدا و راهنمایی کنند. ممکن است برخی از گروه‌های کوچک در جمع اصلاح‌طلبان حرف‌های این چنینی داشته باشند ولی به نظر می‌رسد جایگاه آقای خاتمی، جایگاهی نیست که حالت تصنعی داشته باشد، جایگاه واقعی برای خودش است و طبیعتا می‌تواند به اصلاحات کمک کند و در برهه‌های تصمیم گیری سخت و مشکل راه‌هایی باز شود که این مشکلات محدودتر شود.

تشکیل حزب فراگیر اصلاحات تا چه اندازه به موفقیت اصلاح‌طلبان کمک می‌کند؟

این ایده همیشه مطرح بوده ولی نیازمند یکسری زمینه‌هایی است که برخی از آنها در اختیار خود جریان اصلاحات است و برخی بیرون از جریان اصلاحات است. تا وقتی این زمینه‌ها فراهم نشود در حد ایده باقی خواهد بود. اگر این اتفاق رخ دهد خیلی خوب است و مشکل عمده آن بر می‌گردد به این نکته که حاکمیت به احزاب خیلی میدان نمی‌دهد و اگر احزاب مقداری قدرت پیدا کنند ممکن است حاکمیت چالش‌هایی برای آنها به وجود آورد که عملا کار را سخت می‌کند. مقداری تعلل در این امر به همین نکته بر می‌گردد که بیرون از اصلاحات است. آستانه تحمل مسئولان حتی نسبت به احزاب اصولگرا یا وجود اینکه همیشه در قدرت بودند، تفرق و چند دستگی در بین آنها زیاد است. شاید به این خاطر که حاکمیت فکر می‌کند راحت‌تر می‌تواند اینها را مدیریت کند. اصولگرایان هم اجازه پیدا نکردند که یک حزب قوی و محوری ایجاد کنند تا بتواند نقش بیشتر و موثرتری را ایفا کنند. تا یک حزب بخواهد جایگاه بهتر و مناسبت تری پیدا کند و توان خودش را چه از نظر فکری و چه از نظر لجستیک و امکانات فراهم بکند با معضلاتی از سوی حاکمیت مواجه می‌شود که باید دوباره از نو شروع کند. این تعددها برای صیانت و داشتن جایگاه سیاسی است که اگر یکی دچار مشکل شد، دیگری کار سیاسی را در قالب حزب و با شناسنامه فراهم بکنند. لذا این ایده‌ها همیشه مطرح بوده و تا آن زمینه‌ها فراهم نشود به نظر مشکل است که بخواهد به نتیجه عملی برسد.

چه شرایطی بر اردوگاه اصلاح‌طلبی حاکم است که بزرگان اصول‌گرا پس از ناامیدی از حضور در اردوگاه اصولگرایی به آرمان‌های جریان اصلاحات نزدیک می‌شوند؟

اصلاحات یک واقعیت کشور است. هیچ کس نمی‌تواند این نگاه را که پس از چهل و اندی سال مشکلاتی در کشور وجود دارد که باید اصلاح شود را منکر شود. حاکمیت هرچه زودتر تن به اصلاحات بدهد این مشکلات محدودتر می‌شود. شما مشاهده نکرده‌اید کسی از اصلاحات به اردوگاه اصولگرایان برود ولی برعکس آن زیاد اتفاق می‌افتد. چون آنها هم به این نتیجه رسیده‌اند که مشکلاتی وجود دارد که باید اصلاح بشود و تلاش بشود روند مدیریت کشور یا یک عقلانیت و روزآمدی مشخصی بتواند حرکت کند تا بتواند جوابگوی نیازهای مردم باشد. طبیعی است که بسیاری از اصولگراها که عقلانیت را در مسیر سیاسی خودشان به کار می‌گیرند به مرور می‌فهمند که برای اصلاح یکسری از نواقص ایستادگی بیشتری بکنند و به این طیف نزدیک‌تر می‌شوند. بسیاری از اصولگراها اعتقاد دارند که اگر نتوانیم اصلاحات جدی را در روند مدیریت کشور اعمال بکنیم در آینده با مشکلات سنگین‌تری مواجه می‌شویم و این طبیعی است که برخی از چهره‌های شاخصی که تجربه سیاسی بیشتری پیدا می‌کنند به مرور به جریان اصلاحات نزدیک شوند.

تصور می‌کنید چه اراده و هدفی درصدد حذف لاریجانی‌ها از عرصه قدرت بود؟ و چرا اصولگرایان از آنها حمایتی نکردند؟

گمانه‌های متعددی مطرح است و خیلی نمی‌شود به طور دقیق مشخص کرد. به هر صورت یک اراده‌ای قرارش بر این گذاشته بود که در این مرحله آقای رئیسی از صندوق بیرون بیاید و هر کس را که احتمال می‌داد که یک فضاسازی جدی راجع به حذفش گذاشته بود و این بار دامن آقای لاریجانی را گرفت ولی جای تعجب داشت و روندی است که یکسری مشکلات برای جریان اصولگرا به وجود خواهد آورد ولی اینکه این اراده چرا نمی‌توانست رقابت آقای لاریجانی و آقای رئیسی را تحمل کند خیلی از آن اطلاعی ندارم. روشن بود که تصمیم گرفته بود که از صندوق نام رئیسی بیرون بیاید حالا ممکن بود در آن رقابت آقای رئیسی موفق می‌شد ولی به هر صورت نخواستند که ریسک کند حتی اگر هزینه این کار افزایش پیدا بکند و این کار را با حذف کردن افرادی که احتمال می‌دادند اینها می‌توانند خطر مختصری ایجاد بکنند، انجام دادند که خیلی مفید نبود. اگر رقابت مقداری واقعی‌تر می‌شد حتی بین جریان اصول گرا شاید